



## باز آفرینی هویت و هویت روایی در شهر مشهد

### چکیده

هویت راه و روشی است که به آگاهی منتهی می شود. آگاهی از اینکه بدانیم چه کسی هستیم و در کجای این جهان ایستاده ایم. هویت روایی، یعنی داستان زندگی هر فرد و هویت روایی جمعی، یعنی داستان های زندگی افراد. رسانه های جمعی، با استفاده از امکانات و ویژگی های تاثیرگذار بر حافظه جمعی، می توانند با هدفمندی، مفاهیم مهمی چون اعتقاد به اخلاق در زندگی، ترجیح منافع جمعی بر فردی، یکپارچه سازی و ایجاد وحدت و ... زمینه مستعدی برای ایجاد بافت های فرهنگی و اجتماعی در یک کل واحد را بازنمایی کنند. این پژوهش نخست با بیان مولفه های هویت در شهر مشهد، با پیشنهاد استفاده از هویت روایی برای برگزاری رویداد فیلم شهر پرداخته است.

### واژگان کلیدی: هویت، مولفه های هویت جهانی، مولفه های هویت ایرانی-اسلامی، هویت روایی

#### مقدمه و طرح مسئله

آدمی در طول حیات خود می کوشد تا جهان را فهم پذیر کند. در این راه، بشر از هر وسیله و ابزاری کمک می گیرد (لان، ۲۰۰۴) داستانها و افسانه ها از دیرباز از جمله اولیترین و ساده ترین ابزارهایی بوده است که آدمی با استفاده از آنها، تالش کرده است اتفاقات پیرامون خود را در یکجا جمع آوری و فهم پذیر کند. (کرنی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲) پیازه بر این باور است که روایتها و داستانها، وقتی ما نمی توانیم مسئله ای را تبیین کنیم، به کمک مامی آیند و به شکلی ابتدایی و موقت، راه حلی را در اختیار ما قرار می دهند. پوپر بهنوبه خود بر این باور است که افسانه ها از آغاز ابزار دست ما برای نظریه پردازی بوده اند. پوپر میگوید که اصولاً نظریه های علمی همان افسانه های مفید هستند که البته به شکلی معتبر ابطال پذیرند (پوپر<sup>۲</sup> ۱۹۹۴) بر این اساس، افسانه ها و قصه ها و روایتها ساخته میشوند تا واقعیت را توضیح دهند. افسانه های امروز، روزگاری، نگاه واقعبینانه محسوب میگشته اند. چه بسا نظریه های رایج امروز، روزگاری، افسانه ای نامیده خواهند شد.

از طریق زبان و گفتگو، روایت ها شکل می گیرند و فهم بشری را پی ریزی می کند. ویگوتسکی<sup>۳</sup> زبان را میانجی تفکر می داند که تاثیر عمده ای در بازنمایی ما از واقعیت برجا می گذارد. برونر<sup>۳</sup> فراتر از این دو این دو، بر این باور است که

<sup>۱</sup> Kearnry

<sup>۲</sup> Vygotsky

<sup>۳</sup> Brunner

ساخت واقعیت، ماهیتی روایتی دارد. ما تجربه‌ها و حافظه‌های خویش را از رویدادهای انسانی و عمدتاً در قالب روایت‌سازی شده، ساماندهی می‌کنیم؛ نظیر، داستان‌ها، توجیه‌ها، بهانه‌ها، افسانه‌ها که دلایلی برای انجام یا عدم انجام عملکرد ما است و روایت، صورت مرسوم است که از طریق فرهنگ‌ها منتقل می‌شود. (برونر، ۲۰۰۳)

روایت، خصوصیتی دارد که برحسب آنها، قالب، ساخت و چارچوبی برای ارائه گزارشی نظام‌مند از واقعیت در اختیار ما قرار می‌دهد. این چارچوبها و قالبها همانند تمام شکل‌های بازنمایی جهان، به منزله "سبک روایی تفکر" و "صورت‌های گفتمان روایی" عمل می‌کنند.

موضوع هویت از دهه ۱۹۹۰ به یکی از مباحث متداول در محافل دانشگاهی بدل شد (مشیرزاده و مسعودی، ۱۳۸۸: ۲۵۲). جهانی شدن به مثابه روندی فراگیر، کلیه ابعاد زندگی فردی و گروهی بشر را در گستره هویت، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و ... متاثر ساخته است که این خود بر پیچیدگی و ابهامات این مسئله افزوده است. از آن‌جا که جهانی شدن را باید یکی از اصلی‌ترین عوامل توجه مجدد به مقوله هویت ملی دانست؛ پس این فرایند، نیرویی برای همگن‌سازی ساده نیست، که از طریق آن یک فرهنگ بتواند سایر هویت‌ها را نابود کند. کشور ایران با برخورداری از فرهنگ و تمدن غنی در طول تاریخ چند هزار ساله اش پیوسته از توالی زمانی در امر هویتی خود؛ برخوردار بوده و با اینکه در دوره‌های گوناگون صورت‌های متفاوتی به خود گرفته، اما هرگز اصالت ایرانی بودن آن مخدوش نشده است. از طرفی هم، هر چند دگرگونی‌هایی در لایه‌های سطحی فرهنگ و هویت ایرانی پدید آمد؛ اما هیچ‌گاه نتوانستند به ژرفای هویت ایرانیان رسوخ پیدا کنند. همچنین این فرهنگ و تمدن ایرانی با خدماتی که به گسترش میراث مشترک تمدن بشر کردند، همراه با اقوام مختلف موجود در همسایگی خود، هویتی ویژه‌ی خود را پدید آوردند که در خلال روزگاران گسترش یافته و تکامل پیدا کرده است. (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۵)

جوامع معاصر شاهد تحولات چشمگیری بوده‌اند که حوزه‌های زیسته انسان، اعم از اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را به شدت تحت تأثیر قرار داده‌اند. در این بین، یکی از چالش‌برانگیزترین دگرگونی‌ها، به تغییرات شناختی و به‌طور مشخص، تحولات هویتی افراد مربوط می‌شود. در گذشته مقوله هویت به شکلی که امروز مطرح است، مهم قلمداد نمی‌شد، چراکه باورها و ارزشهای سنتی مسیر زندگی انسان را هدایت می‌کردند. اما با افول منابع هویت‌یابی سنتی همچون ارزشهای مذهبی، الگوهای خانوادگی و آموزشی از یک سو و رشد الگوهای هویت‌ساز جدید مانند رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی از سوی دیگر، فرایند دگرگونی هویت افراد دچار تغییرات گسترده‌ای شده است. گذار از سنت به مدرنیته، نقش بسیار مهمی در تحولات گسترده هویتی برعهده داشته،

‡ The narrative mode of thought

° Narrative discourse

زیرا هویت مفهومی است که در هر بستر اجتماعی و تاریخی می‌توان آن را با مضامینی که در عصر حاضر دارد، مطالعه کرد. به دلیل واقعیتی است که دوران گذار یعنی حرکت از جامعه سنتی به مدرنیته نامیده می‌شود، دورانی که تحولات شدید هویتی به واسطه آن رخ داده است. (ربانی و رستگار، ۱۳۹۲: ۲).

به تدریج دانشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی به بحث و بررسی موضوع هویت پرداختند. همچنین در سال‌های اخیر مطالعات بسیار زیادی با رویکردهای چون آسیب‌شناسی هویت در جامعه، سیاست و دین، شناسایی هویت و تحلیل‌های مولفه‌های هویتی در ایران از ابعاد مختلف، توسط اندیشمندان حوزه‌های گوناگون صورت گرفته است.

#### تعریف مفاهیم

#### هویت:

در فرهنگ لغت «معین» آمده است که: «هویت» یعنی آنچه که باعث تشخیص فرد می‌شود. از این مفهوم پیداست که هویت، حقیقت و چیستی و هستی را می‌رساند. اصل این کلمه، عربی است و از کلمه «هو» به معنی او (ضمیر غایب مفرد مذکر) اخذ شده است و از ضمیر «هو»، لفظ مرکب «هو، هو» ساخته شده است که اسم مرکب الف و لام دار می‌باشد. معنای این اسم «اتحاد بالذات» یا «انطباق بالذات» است. بنابراین هویت یک پدیده، نشانگر هیئت و ماهیت وجودی آن ذات است. به عبارت دیگر چیستی و حقیقت پدیده مورد نظر، هویت آن را می‌رساند و می‌تواند به صورت فردی یا جمعی باشد. واژه **Identity** به معنای «هویت» ریشه در زبان لاتین دارد و دارای دو معنای اصلی است:

معنای اول آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است و معنای دوم آن به مفهوم تمایز است که با مرور زمان، سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. بنابراین مفهوم هویت (به معنای اصطلاحی آن) میان اشیا و افراد دو نسبت محتمل را برقرار می‌سازد: از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت. هویت، جنبه‌ها، جلوه‌ها و ابعاد متفاوت و متنوعی دارد، بعد فلسفی، بعد روانی، بعد فرهنگی و بعد اجتماعی از ابعاد هویت محسوب می‌شوند

هویت، سرچشمه معنا و تجربه برای افراد یک جامعه می‌باشد. همان‌طور که «کالهن» می‌نویسد، هیچ مردم بی‌نامی را نمی‌شناسیم و هیچ زبان و فرهنگی را سراغ نداریم که میان خود و دیگری، ما و آنها تمایزی برقرار نسازد. در حقیقت، شناسایی خویشتن هر فرد در یک روند طولانی مدت با تمایزیابی از دیگران شکل می‌گیرد؛ قومیت ما و قومیت آنها، دین ما و دین آنها، سرزمین ما و سرزمین آنها. کاستلز هویت را فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم

پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود، تعریف کرده است. (کاستلز) ب (۱۳۸۰، ص ۲۲) ایرانی، ترک، مسلمان، سفید پوست همه و همه گونه‌هایی از هویت ما را شکل می‌دهند که بعضاً با هم در تعارض اند؛ ولی در کنار هم زیست می‌کنند.

البته باید به تمایز هویت از نقش اجتماعی نیز توجه نمود. نقش‌های اجتماعی، بر اساس هنجارهایی تعریف می‌شوند که توسط نهادها و سازمان‌های اجتماعی ساخته می‌شوند؛ اما هویت، منبع معنا برای خود کنشگران می‌باشد. ممکن است هویت افراد، ناشی از نهادهای مسلط جامعه نیز باشد؛ ولی در این صورت نیز وقتی هویت فرد را به شمار خواهند گرفت که توسط افراد، درونی شود و معنای آن را بر محور این درونی سازی بیافرینند.

هویت مفهومی ناظر به حالات و اعمال شخصی است و ریشه در تربیت خانوادگی، آموخته‌های فرهنگی و باورهای اجتماعی دارد. هویت در اثر فرایندهای اجتماعی شکل می‌گیرد و پس از تبلور، باقی مانده، دگرگون شده و یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی از نو شکل می‌گیرد (برگر، ۱۳۷۵: ۶۸).

مؤلفه‌های عینی هویت در سطح اجتماعی ساختارهای «هویت ملی» را شکل می‌دهند و آن را از هویت‌های ملی دیگران متمایز میکنند (حقدار، ۱۳۸۰: ۱۸۸). بپترید، هویت یک ملت، در درجه نخست موضوعی در قلمرو جغرافیای سیاسی است و مربوط به چگونگی پیدایش و بقای یک ملت، و بخش پر اهمیتی از موجودیت روحانی بشر شمرده میشود. همچنین، احساس تعلق داشتن به یک محیط جغرافیایی ویژه و نیاز به شناخته شدن با ویژگی‌های محیطی و فرهنگی آن محیط جغرافیایی، هویت خاصی را خلق می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۱۲۵). از طرفی دیگر، هویت قومی مطرح است. این نوع از هویت، زمانی که منافع شخصی را تسهیل نماید، خود را آشکار می‌کند و تا زمانی که مانعی بر سر راه منافع شخصی باشد، پنهان خواهد ماند (۲۸۲-۲۸۱: ۲۰۰۸).

در دوران نوجوانی هنگامی که فرد درگیر این مفاهیم است و هنگامی که افراد در سددند تا بفهمند که چطور با همانندسازی‌های دوران کودکی خود شبیه و یا متفاوت هستند، شکل‌گیری و پدیداری بزرگسالی، دستکم در جوامع صنعتی و غربی (آرنت، ۲۰۰۰)، درست زمانی است که تمامی این سه فشار یعنی شناختی، فردی، و اجتماعی فرهنگی، گرد هم می‌آیند تا این دوره از زندگی را زمانی مناسب برای ساخت هویت، نمایند.

از دیگر سو، مک‌آدامز ادعا میکند که هویت مترادف است با داستان زندگی رو به رشد خود ساخته‌ی افراد؛ و پیکربندی هویت خود را در داستانهای زندگی در قالب "پیکربندی طرح، شخصیت، تنظیمات، صحنه و درونمایه" آشکار می‌نماید (مک‌آدامز، ۱۹۸۸، ص ۲۹). در اصل او بر آن است که تلاش فرد در راستای رشد هویت، در کوشش‌های وی برای

ساختن داستان زندگی نمایان می‌شود؛ داستان زندگی به عنوان نمود هشیار فرآیند هویت که همچنین بنیانی ناهشیار هم دارد، میتواند برای آشکارسازی چگونگی شکل گرفتن هویت و اشکال ممکن پیکربندی آن، مورد استفاده باشد.

در جمع بندی هویت می‌توان گفت؛ ما در هویت به دنیا می‌آییم و در نهایت با هویتی که شاید در طول زمان و تعاملات اجتماعی تغییر کرده است، از دنیا می‌رویم. هویت به طور منحصر به فردی، امری پویا است که نیاز به بازتعریف توسط فرد و جامعه او دارد.

هویت را می‌توان کلمه‌ی "شدن" دانست. احساس یک فرد از آنچه هست و یا آنچه می‌خواهد باشد که براساس وابستگی‌ها، ویژگی‌های شخصیتی و نقش‌های اجتماعی که می‌پذیرد به صورت پویا و امری متغیر در طول زمان به مفهوم شخصی و اجتماعی شکل می‌گیرد.

هویت امری است که در همواره در ارتباط با افراد دیگر در جامعه شکل می‌گیرد. به طوری که گفته‌اند بنیان هویت شناسایی شباهت‌ها با گروهی از افراد و احساس تفاوت با دیگران است (Woodward, ۲۰۰۰: ۳۴).

اسمیت بر این باور است که هویت‌ها از طریق تجربیات و حافظه‌ها و اسطوره‌های مشترک در رابطه با تجربیات و حافظه‌های و اسطوره‌های هویت جمعی دیگر، رشد می‌کنند. (Smith, ۱۹۹۹: ۲۴۷)

باتوجه به اینکه در شکل‌گیری هویت می‌توان تغییر ایجاد کرد، و در فرآیند دگرگونی مداخله داشت، با تاکید بر آگاهی جمعی و بازآفرینی تاریخی و ارائه الگوهای انسانی، جنبه‌های جدیدی ایجاد کرد تا فرد و در نهایت جامعه‌ی هدف، در طول زمان به پرسش "من کیستم" خود، با نگرش جدید و کارآمد پاسخ دهد.

ذکر این نکته بسیار مهم است که؛ هویت در جهان مدرن، یک هویت و مفهوم بازبازی است که یکی از مهمترین علل ساخت آن، رسانه‌ها هستند.

در جامعه‌شناسی سیاسی؛ نگاه عمیقی وجود دارد که به زندگی افراد معنا می‌بخشد. این معنا بخشیدن، چندوجهی است که همین امر، آن را برای درک بهتر و رسیدن به نتایج کاربردی در جهت دستیابی به یک اتوپیا ی بازآفرینی شده، دشوار می‌سازد. برای این منظور نیاز ضروری به آسیب‌شناسی بحران هویت شهری در مشهد مقدس داریم. البته با نگاه کاربردی و با روش استقرایی.

در خلاصه کلام می‌توان گفت، تغییر هویت در شهر مشهد، و رسیدن به نگاه مطلوب در جوامع مورد هدف، از بررسی آمیختگی هویت، هویت‌های قومی و ارائه‌ی پارادایم‌های عزت‌نفس جمعی است تا با کارکردهای اجتماعی از فرهنگ و اقتصاد که دو رکن اساسی جامعه مدرن بازآفرینی شده هستند، به هویت مثبت جمعی - اصالت اجتماعی برسیم.

## مبانی نظری هویت‌روایی

در این بخش، با تکیه بر نظرات و آراء بزرگان و اندیشمندان حوزه فلسفه، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، به توصیف و نه تعریف معنای هویت می‌پردازیم. از این جهت توصیف را جایگزین تعریف کرده ایم چون هویت امری پویا و در حال تغییر است (سخنرانی استاد مصطفی ملکیان، دانشگاه تربیت مدرس: ۱۳۸۴).

هویت‌روایی تصویری است که می‌خواهد گسترده شود و نمایی برای گسترش است، نه خود‌نما. از این رو، واژه تعریف ممکن است آسیب‌زا باشد و به جای آن توصیف را پیشنهاد می‌دهیم. نکته مهم در بحث هویت این است که ما دچار بحران هویت هستیم، نه بی‌هویتی و برای دستیابی به هویت ساختاریافته، باور پذیر و قاعده‌مند، نیاز داریم خود را بهتر بشناسیم که این اصل اساسی بسیار در دین اسلام تأکید شده است. اصل خودشناسی ما را به هویت فردی می‌رساند و هویت فردی ساختار یافته، باعث می‌شود ما از گزند آسیب‌هایی که در مسیر رشد، تکامل و معنایابی داریم، تا حدودی در امان باشیم البته اگر بخواهیم. رسیدن به آرامش درونی اولین ضرورت شکل‌گیری و رهایی از نفس است و این آرامش درونی، به معنای اجتماعی باورهایی است که به معنا می‌بخشد تا دچار اضطراب نشویم.

از سویی دیگر، ما در مسیر جهانی شدن هستیم. حضور و ظهور دنیای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، انسان را به شکلی مدرن ساخته است که می‌خواهد یک تصویر شخصی از جنبه‌های شخصیت خود را ارائه دهد. این تصویر باید داستان زندگی شخصی و منحصر به فردی باشد که از دیگران متمایز است و موضوع اثرگذاری اجتماعی هم در اینجا مطرح می‌شود. تفاوت داستان‌های شخصی، فرم‌های روایی را مطرح می‌کند. هویت‌روایی و زندگینامه‌ای زمانی قابل دفاع هستند که اثرگذاری و ماندگاری داشته باشند. روایت واقعی فرد روایتی است که در فرایند گفتگو و در بستر گفتمانی شکل می‌گیرد و در جهان اجتماعی، در جهان زبان، مستقر می‌شود. روایتی که نهایتاً خود را به شکل گفتگویی و به شکل خویشتن‌روایی بروز می‌دهد. این خویشتن در مسیر گفتگو، تداوم و تکامل می‌یابد.

نلسون گودمن<sup>۶</sup> بر این باور است که روایت عبارت است از شیوه های ساختن و بازنمایی در زمانی توالی رویدادهای انسانی که در میان آنها، توالی بندی در داستانهای کلامی یا نوشتاری تنها یکی از ابزار محسوب می شود؛ حتی رسانه های غیرکلامی نیز بخشی از روایت های غیرکلامی هستند. آنچه زیربنای تمامی صورت های روایت است یک "مدل زبانی" است که ویژگی معرف آن، الگوی منحصر به فردی از رویدادها در طول زمان است (برونر، ۲۰۰۳)

انسان ذاتا موجودی است قصه گو. (برونر: ۱۹۸۶)

مبانی و نگرش اساسی هویت روایی، یعنی اینکه بدانیم در کجای این جهان ایستاده ایم. دانستن و آگاهی از وضعیت خویش، توصیفی از معنای هویت است. مصطفی ملکیان در تعبیری از هویت اجتماعی، دنیا را میدان مسابقه ای می داند که همه در آن شرکت دارند و همه برای رسیدن به پیروزی در تلاش هستند. هر فرد، باید موقعیت خود نسبت به خط آخر را پیدا کند تا موفقیت و پیروزی برای شخص او معنای واحد پیدا کند. به طور مثال؛ فردی که در سیصدمتری خط آغاز ایستاده است با کسی که در پانصد متری خط پایان ایستاده و سوت شروع مسابقه را می زنند، دارای نقطه ی شروع متفاوتی هستند و پیروزی برای هر کدام معنای متفاوتی دارد. اگر این موضع نادیده گرفته شود، دچار اضطراب می شود و این اضطرابها ما را به یکسری پیامدهای اجتماعی و شخصی نادرست سوق می دهد.

اکنون پرسش مهم این است که هویت ما برآمده از چیست؟ حافظه و خاطرات مان یا چنان که برخی از عصب شناسان می گویند، "پیامد برخی فعالیت های سیستم عصبی؟" درک ما از "خود" مان به چه کار می آید؟ برای پاسخ به این پرسش ها، سراغ هویت روایتی می رویم. نخست روایت چیست؟

در تعریف ساده از روایت، یعنی انسجام تاریخچه زندگی یک فرد در طول زمان. به طور مثال اینکه فردی از یک نوجوان سرکش تبدیل به یک الگوی اجتماعی وفاداری در جامعه می شود؟ و اهداف او چه نقشی در این شکل گیری هویتی داشته؟ هویت روایی، محور دیدگاه مک آدامز است و معنا دهنده و انسجام بخش شخصیت. مک آدامز به عنوان یک روانشناس اجتماعی، هویت روایی را داستان درونی شده، رو به تحول و مسنجم فرد از خود می داند که از اواخر نوجوانی و اوائل جوانی شکل می گیرد و فرد براساس این داستان، زندگی می کند و خود داستان زندگی نیز، همزمان در اثر تجربه های لحظه به لحظه متحول می شود.

هویت روایی، گذشته بازسازی شده را با آینده را مورد انتظار منسجم می کند تا شکلی از وحدت و هدفمندی در زندگی فراهم کند. هدف هویت روایی، انسجام صفات برآمده از زمینه ژنتیکی و زیستی، همزمان هم با جنبه های انگیزشی، ارزشها

<sup>۶</sup> Nelson Goodman

، علائق ، اهداف ، مکانیزم‌های دفاعی و شیوه‌های مقابله‌ای، هم با زمینه‌ی اجتماعی-فرهنگی، یک راوی که قهرمان داستان هم هست را می‌سازد. قهرمانی که در یک بافت اجتماعی-فرهنگی، تاریخی-سیاسی و تحولی در حال شکل‌گیری است. داستانی که پایانی ندارد و همراه زمان و تجربه‌های نو، متحول می‌شود. داستان شکلی پویا دارد که همان ماهیت ساختار روانی است. از دید مک‌آدامز هویت‌روایی ۶ ویژگی مهم دارد:

- خود ماهیت داستان سرایی دارد. ما خود را به شکل داستانی که از خود داریم می‌شناسیم. اینکه گذشته را چگونه به یاد می‌آوریم، داستانی متأثر از چگونگی رخ دادن وقایع است. به عبارتی دیگر، خود دو وجه دارد. یکی گوینده داستان و دیگری داستانی که در حال روایت شدن است. گوینده‌ی داستان، خودی است که در حال تجربه لحظه به لحظه‌ی زندگی است و همزمان این تجربه را در زمینه‌ی ای که از گذشته تا آینده‌ی ای که مورد انتظار دارد ادامه دارد، منسجم و معنا می‌کند. تجربه‌های گذشته نیز که با توجه به تجربه‌های در حال بازسازی می‌شوند، خود داستانی همان داستان زندگی است. هرچند حافظه بازسازی شده، بازتابی از واقعیت‌های زندگی است، اما انتخاب و چینش و گاهی ترمیم و تغییر واقعیت‌ها در جهت شکل‌گیری داستانی منسجم و بیانگر معانی شخصی توسط گوینده داستان رخ می‌دهد.
- ویژگی دوم هویت‌روایی این است که تجربه‌های زندگی را به دو صورت منسجم می‌کند. به عبارتی دیگر، هویت‌روایی تجارب زندگی را از طرفی به شکل همزمان، یعنی دربرگیرنده‌ی نقش‌ها، اهداف و وقایع مختلف زندگی کنونی و از سوی دیگر به صورت تاریخچه‌ی ای یعنی سیری در گذشته، حال و آینده‌ی نامشخص و مورد انتظار انسجام می‌بخشد. این هویت کمک می‌کند نقش‌های متفاوت و وجوه مختلف شخصیت، در بُرشی مقطعی از زندگی کنونی، در یک قاب معنادار قرار گیرند و تحول آنها در طول زمان، منسجم شود.
- ویژگی سوم، توجه به زمینه‌ی اجتماعی است. داستان ما از خودمان در یک بافت اجتماعی شکل می‌گیرد و منطبق بر انتظارات و هنجارهای اجتماعی ماست. افراد، حوادث زندگی شان را بارها با دیگران در میان می‌گذارند. مرور حوادث به گوینده کمک می‌کند تا معنای احساسی وقایع را بهتر ببیند. واکنش دیگران به داستانهای ما، نوع نگاه ما به داستان خودمان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، افراد در مرور داستان‌های خود به صورت شخصی، خود را به جای شخصیت‌های دیگر داستان نیز قرار داده و از منظر آنها، رویدادها و نقش آنها را مشاهده می‌کنند. این ناظر داستان که گوینده و موضوع داستان نیز هست، ممکن است با توجه به هنجارهای اجتماعی بخشی از داستان را به تدریج بازتعریف کند. همه‌ی اینها بر



نحوه‌ی داستان و معنای یادآوری آنها تاثیر می‌گذارد و به این شکل هویت‌روایی تحت تاثیر انسان‌های اجتماعی از نقش‌های مختلف قرار می‌گیرد.

- ویژگی چهارم این است که داستان‌های زندگی، با گذشت زمان تغییر می‌کند. با گذشت زمان، داستان‌ها پیچیده‌تر می‌شود و نقش‌ها، اهداف، انگیزه‌ها و نگرانی‌های افراد، روایت وقایع مهم زندگی و معنای آنها نیز متناسب با آنها ابعاد بیشتر و پیچیده‌تر می‌شود و در نتیجه تغییر می‌کند. به علاوه این روایات تحت تاثیر حوادث جاری زندگی نیز قرار می‌گیرند و معنای آنها را نیز بازآفرینی می‌کنند و این همان پویایی هویت‌روایی است که در طی زمان تغییر می‌کند. هویت‌روایی دیالکتیک گذشته و معنای بازسازی شده و تجربه‌ی در حال وقوع و آینده‌ی مورد انتظار است.
- ویژگی پنجم اینکه روایت افراد از خود، در یک بافت فرهنگی رخ می‌دهد. آنچه افراد در دوره‌های مختلف زندگی خود به یاد می‌آورند یا تصویری که از خود دارند، تحت تاثیر فرهنگ دینی، اجتماعی و... از آن دوره زندگی است. به عنوان مثال روایت شخصی افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا، با فرهنگ‌های فردگرا متفاوت باشد. در فرهنگ‌های فردگرا عملکرد داستان‌ها بر ابراز خود متمرکز است و در فرهنگ‌های جمع‌گرا بیشتر بر پاسداشت ارزش‌های جمعی است. در فرهنگ‌های فردگرا، هویت‌روایی افراد در غالب داستان‌هایی شکل می‌گیرد که قهرمان در پی بروز علائق و گرایش‌های شخصی است و در فرهنگ‌های جمع‌گرا، قهرمان به دنبال احترام به معیارهای جمعی است.
- اصل ششم این است که برخی روایات بهتر از بقیه هستند. هر چه روایت فرد از خود منسجم‌تر و پیچیده‌تر باشد، ظرفیت‌های روانی فرد برای کنارآمدن با تجربه‌های زندگی بالاتر است. سلامت روانی از این منظر، تابعی است از انسجام و پیچیدگی هویت‌روایی و روان‌درمانی. در واقع فرآیند بازسازی و فرمول‌بندی مجدد روایت‌های شخصی و منسجم کردن آنها، تا هویت‌روایی فرد طوری بازسازی شود که هویت‌روایی بالاتری برای مواجهه با تنش‌ها، تغییرات و نقش‌های مختلف زندگی داشته باشد.

این شش ویژگی در کنارهم، مفهوم هویت‌روایی را می‌سازند. بنابراین، هویت ما را داستانی که از خودمان تعریف می‌کنیم، تشکیل می‌دهد. ما، داستان خود هستیم. براین اساس، افسانه‌ها و قصه‌ها و روایت‌ها ساخته میشوند تا واقعیت را توضیح دهند. افسانه‌های امروز، روزگاری، نگاه واقع‌بینانه محسوب می‌گشته‌اند. چه بسا نظریه‌های رایج امروز، روزگاری، افسانه‌های نامیده خواهند شد و برای داشتن هویت‌روایی ما نیاز به هویت فردی داریم. معنای فردیت در ایران اسلامی و به خصوص در آموزه‌های دینی ما، به طور مشخص بیان شده است.

از این رو در یک جمع بندی، می‌توان هویت‌روایی را شکلی کاربردی از هنر روایتگری برای بازنمایی و خلق الگوهای تاثیرگذار در حوزه‌های مختلف دنبال کنیم. به عبارتی، با تاکید بر اخلاق فضیلت در هویت دینی، دیگرخواهی و دیگر دوستی در هویت اجتماعی، احترام به زبان، آداب و رسوم، و آیین ملی در هویت تاریخی، ایجاد اهداف مشترک و احترام به منافع ملی در هویت سیاسی، نگاه به آینده و علاقمندی به پیشرفت جمعی در هویت اقتصادی، احترام به تفاوت‌ها، پذیرش نقد و در نظر گرفتن پیشینه‌ی فرهنگی اقوام در هویت فرهنگی، و به طور خاص، در بخش هویت امام‌رضایی (ع)، با آگاهی و بینش کامل از موقعیت ایدئولوژیک شهر مشهد، مجاورت با حرم مطهر و تعدد فرهنگ‌های قومی، با تاکید بر وحدت جمعی به واسطه اشتراک در عقاید دینی و فرهنگی، تصویری از هویت شهر مشهد را ارائه دهیم که در صورت کلی از وحدت اجتماعی در سایه برکات حضرت رضا (ع) باشد.

این رویداد می‌تواند فرصتی باشد برای اشتراک و اتحاد. اشتراک به معنای اینکه ما متحد هستیم و به همدیگر نیاز داریم تا به سوی آینده حرکت کنیم و اتحاد یعنی ما در عین حال که جدا از هم هستیم، اما بیگانه از هم نیستیم.

*بیان مولفه‌های هویت در تعریف کلی*

### مولفه‌های هویت جهانی

هویت در سطوح مختلف شکل می‌گیرد. سطح خرد و یا اول؛ عبارت از تعرف خود، روابط با مردم و مسائلی که از منظر شخصی یا فردی دیده می‌شود. سطح میانی، دامنه هویت در جوامع یا خانواده‌هایی با اشتراک طبقاتی یا فاکتورهای هویتی مشترک دیگر، مطرح می‌شود. سطح کلان هم به ارتباطات بین افراد و افراد، افراد و مسائل از منظر ملی که باعث اتصال و پیوندهای جهانی می‌شود.

از تعاریف و نظریه‌های هویت صرفه نظر می‌کنیم و به سراغ مولفه‌های اصلی هویت در نگاه جهانی می‌رویم:

- هویت فرهنگی
- هویت نسلی
- هویت شغلی
- هویت بدنی
- هویت جنسیتی
- هویت سیاسی

- هویت دینی
- هویت طبقاتی

آنگاه که سخن از هویت ایرانی به زبان می‌آید، اولین و بارزترین مفهوم که در ذهن مخاطب تصویرسازی می‌شود، هنر ایرانی و معماری برگرفته از طرح‌های خلاقانه و هندسی شگرفی است که مبنای بسیاری از تمدن‌ها بوده است. از این رو با تکیه دو وجه مهم هرمنوتیک، کنش و هویت، تعبیر و تفسیر هویت ایرانی به هویت انسان مرتبط است. "پل ریکور" در کتاب "هرمنوتیک روایی، رهیافتی به هرمنوتیک انتقادی" این طور بیان می‌کند:

"همچنین دو وجه مهم هرمنوتیک روایی را پیش می‌کشد: کنش و هویت. هنگامی که ریکور رسالت هرمنوتیک را «بازسازی پویایی درونی متن» یا «سلسله اعمال فهم در ارتباط با تأویل متون» می‌خوند، متن را در وسیع‌ترین معنای آن مراد می‌کند: کنش انسانی. کنش انسان تنها زمانی معنا دارد که بتوان آن را به صورت یک متن روایت کرد؛ از همین رو عکس این فرآیند هم باید ممکن و بلکه ضروری باشد: فهم و نتیجتاً هویت انسان را نیز باید ذاتاً روایی دانست. با این تفسیر، هرمنوتیک روایی ریکور از همان ابتدا هم به کنش و هم به هویت انسان مرتبط است؛ اولی در «زمان و روایت» و دومی در «خویشتن به مثابه دیگری» از موضوعات اصلی فلسفی ریکور هستند.

برای دستیابی به یک تعریف جامع از هویت ایرانی نخست باید سه مفهوم را از هم جدا سازیم:

- سوژه – آدم‌های معمولی
- سیستم – نظام مدیریتی جامعه
- ساختار – تاریخ، آداب و رسوم، مذهب و ...

در تعریف هویت ایرانی – سوژه؛ فرهنگی است که وثوق یافته از ایران باستان است. این فرهنگ با ارائه‌ی الگوهای اساطیری، در ضمیرناخودآگاه جامعه رسوب می‌کند و هویت را معنا می‌بخشد.

در تعریف هویت ایرانی-سیستم که فرهنگ مسلط هم نامیده می‌شود، یعنی آنچه حکومت‌ها و دولت‌ها با توجه به ایدئولوژی و فلسفه سیاسی به یک فرهنگ می‌رسند.

در تعریف هویت ایرانی-ساختار؛ به فرهنگی گفته می‌شود که در نتیجه تغییر جامعه سنتی به مدرن در نتیجه مهاجرت‌ها، ورود مصرف‌گرایی، تحول نسل‌ها و ... به وجود می‌آید. (این فرهنگ تثبیت نشده است)

در جمع‌بندی هویت ایرانی اسلامی، باید به تحولات معاصر و تاثیر آن بر بازآفرینی هویت جمعی اشاره داشت:

- نهضت‌های اجتماعی متکی بر دین
- نقش آفرینی روشنفکران و نخبگان برای احیا هویت اسلامی
- ظهور روشنفکران دینی
- نقش امام خمینی (ره) در احیا هویت دینی-ملی
- رویداد انقلاب اسلامی
- تکوین سیاست‌های خارجی در جهت قدرت‌یابی هویت ایرانی اسلامی
- ورود به جهانی شدن هویت

#### مولفه‌های هویت ایرانی-اسلامی

- ملی
- مذهبی
- قومی
- تاریخی
- فرهنگی
- اقتصادی
- سیاسی

#### بیان مولفه‌های هویت شهر مشهد

در خصوص توصیف هویت مشهد، پیش از هر چیز باید به پیشینه تاریخی و موقعیت استراتژیک خراسان (توس-مشهد) توجه ویژه‌ای داشت. این موقعیت خاص جغرافیایی باعث شده است که شهر مشهد، پیش از ظهور اسلام و بعد از آن، در جریان‌ات و تحولات تاریخی-سیاسی نقش بسیار مهمی داشته باشد. از آن سو، مشهد به عنوان زادگاه بسیاری از مفاخر دینی، فرهنگی و تاریخی و سیاسی نقش بسیاری در تحولات نظام سیاسی، فرهنگی و علمی داشته است که بعد از ظهور اسلام در ایران، به عنوان یک پایگاه ایدئولوژیک واحد، نقش مهمی در گسترش هویت دینی در ایران را برعهده گرفته است.



از آنجا که انقلاب اسلامی را می‌توان مهمترین شاخص در تغییر و تحول هویت شهر مشهد به عنوان پایگاه دینی و فرهنگی مورد توجه قرار داد، به همین لحاظ شاخص‌های اصلی مورد اشاره در بُعد دینداری و رفتار اعتقادی به هویت دینی بسیار نزدیک است و شاخص‌های شهر مشهد به عنوان پایتخت معنوی ایران، موارد ذیل می‌باشد:

- احساس تعلق به مجاورت بارگاه منور حضرت رضا(ع) (خدمت، زیارت، وقف)
- دلبستگی به نمادها و حفظ ارزشهای اسلامی و دینی (اعیاد مذهبی، انجام عمل صالح، پوشش اسلامی و ...)
- احترام و علاقه به فرهنگ عمومی و حفظ سنت‌های دینی و ایرانی (آداب، رسوم، لهجه)
- اهمیت به پیشینه‌ی تاریخی شهر، جریان‌های فکری سیاسی و فرهنگی معاصر
- احساس تعلق به میراث فرهنگی (مشاهیر، اماکن، آثار باستانی، مفاخر، آثار مکتوب و ...)
- دلبستگی به مجاورت در کنار حرم مطهر و عدم تمایل به مهاجرت و استفاده مطلوب ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی

براین اساس، این شاخص‌ها را با عنوانی که در ادامه می‌آید، بیان می‌نماییم:

- هویت امام رضایی(ع)
- هویت دینی
- هویت جغرافیایی-تاریخی
- هویت سیاسی
- هویت اجتماعی-فرهنگی
- هویت اقتصادی

## نتیجه‌گیری

موج لشگرهای احوالم بین  
 هر یکی با دیگری در جنگ و کین  
 می نگر در خود چنین جنگ گران  
 پس چه مشغولی به جنگ دیگران

پذیرش یک روایت به حایتگری و چگونگی بیان آن روایت بازمی‌گردد. ما حقیقتی را می‌دانیم و ابزاری برای بیان آن حقیقت داریم. این حقیقت را در قالب داستان و یا روایت خود بیان می‌کنیم. بیان ما، حقیقتی تازه به وجود می‌آورد که بازتابی از جهان درونی ما، آنچه هستیم و آنچه در سر داریم است، می‌تواند باشد.

در واقع، به بیان مفهومی‌تر ممکن است که هر شخص، روایتی منحصر به فرد از خود، با توجه به حالات روحی و هویت فردی خود، از یک داستان واحد را به تصویر بکشد تا ما نیز به پیروی از آن بتوانیم تجربیات زندگی خویش را در شکلی مشابه، همانندسازی نماییم و در عین حال، متمایز از داستان روایتی او، هویتی روایی خود را به آن بیفزاییم.

ما درون داستان‌هایی زندگی می‌کنیم که می‌سازیم، به نحوی که بخشی از وجود ما می‌شوند و هویت ما را می‌سازند. گاهی معنای روایت‌ها، محصول تلاشی است که افراد می‌خواهند در زندگی به وجود بیاورند و برای این به وجود آوردن نیازمند ابزار، دانش و آگاهی هستند. اینکه بدانند چه کسی هستند، به چه سرزمینی تعلق دارند، چه ارزش‌های اخلاقی و دینی در شاکله‌ی آنها وجود دارد، چه غنای فرهنگی دارند، چه الگوهای برای هویت‌یابی و چه اسطوره‌هایی برای هویت‌جویی در زندگی‌شان می‌توانند بیابند را شاید بتوان در یک معنای واحد بیان نمود؛ اینکه هویت خود را بیابند و از آن آگاهی عمیقی به دست آورند.

پس حقیقت حق بود معبود کل  
 کز پی ذوق است سیران سبل  
 لیک بعضی رو سوی دم کرده‌اند  
 گرچه سر اصلست سر گم کرده‌اند

لیک آن سر پیش این ضالان گم

می‌دهد داد سری از راه دم

آن ز سر می‌یابد آن داد این ز دم

قوم دیگر پا و سر کردند گم

چونک گم شد جمله جمله یافتند

از کم آمد سوی کل بشتافتند

در جمع بندی توصیف هویت و هویت‌روایی که به طور خاص مورد پژوهش حاضر است، می‌توان گفت که هویت گاهی یک زبان واحد، یک سرزمین واحد، جهان بینی مشترک، دین مشترک و عقاید مشترک است که فرد را از فردیت خارج می‌سازد و جزئی از یک منسجم، یک نظام اجتماعی و یا فکری می‌سازد که جامعه یا همان هویت جمعی نامیده می‌شود. هویت یک هستی تاریخی است که به طور مدام در حال بازنگری و تغییر است زیرا اجزا آن افراد جامعه ای هستند که به طور پویا در زندگی، داستان های خود را بازآفرینی و خلق می‌کنند.

داستان های زندگی، تلاش های فردی و جمعی هستند که همان هویت‌روایی را می‌سازند. این هویت‌روایی فردی یا جمعی، بازنمایی زندگی است. این بازنمایی در رسانه های جمعی، فرصتی است که می‌تواند بخشی از زندگی افراد، اشیاء، امکان، رویدادها و ... نشان دهد و این نمایش داستان زندگی، هویت‌روایی را می‌سازد که به زندگی افراد یک جامعه معنا می‌بخشد و در نگاه کلان، هویت جمعی را رقم می‌زند.

رویداد فیلم شهر، باتوجه به فرم و ویژگی های رسانه ای خود، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری افکار عمومی، هویت‌آفرینی و امیدبخشی به آینده دارد، زیرا مخاطبین هدف این رویداد، عموم مردم هستند. عمومیت مردم، یعنی همان هویت جمعی که می‌تواند با بیان داستان های زندگی خود، امیدواری و نگاه به آینده را به همدیگر منتقل سازند و به نوجوانان و جوانان این سرزمین نشان دهند که زندگی، هویت فردی هرکدام از آنها، بخش مهمی از هویت جمعی است و هیچ فردی در جامعه تنها نیست.

## منابع:

- ملکیان، مصطفی، راهی به رهایی، نگاه معاصر  
 فروم، اریک، انسان برای خویشتن، ترجمه اکبر تبریزی  
 شایگان، داریوش، نگاه شکسته. ترجم سعید شاهسوندی، بی جا، بی تا.  
 شایگان، داریوش، افسون زدگی جدید، ترجمه فاطمه ولیانی، فرزانه روز.  
 بروجردی، مهرداد (۱۳۷۹) فرهنگ و هویت ایرانی در فراسوی مرز، فصلنامه مطالعات ملی. شماره پنج، سال دوم، پائیز ۷  
 رزازی فر، افسر (۱۳۷۹) الگوی جامعه شناختی هویت ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵، سال دوم، پائیز ۷۹.  
 باوند، داوود (۱۳۷۷) چالشهای برون مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی. سال دوازدهم شماره ۱۲۹، ۱۳۰.  
 سرافراز، مهدی رضا، هویت روایتی (۱۳۹۳) (هویت روایتی، ماهنامه جان و تن، شماره ۵۶.  
 توالن، مایکل، (۲۰۰۱) درآمدی نقادانه-زبان شناختی بر روایت. ترجمه ابوالفضل حری. تهران: انتشارات بنیاد سینمایی فارابی.  
 گنجی، اکبر، سنت و مدرنیته (بازتاب اندیشه؛ ۱۳۸۲، شماره ۳۸)  
 فی، برایان، (۱۹۹۶) فلسفه امروزی علوم اجتماعی؛ نگرشی چند فرهنگی. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.  
 گروندن، ژان، (۱۹۹۴) درآمدی به علم هرمنوتیک فلسفی). ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی. تهران: مینوی خرد.  
 مارتین، والس، (۱۹۸۶) نظریه های روایت. ترجمه محمد شهبان. تهران: هرمس.  
 مولانا بلخی رومی، جال الدین محمد، (۱۳۸۸) مثنوی معنوی. تهران: انتشارات کاروان.  
 McAdams, D. P, McLean, K.C. (۲۰۱۳). Narrative identity. *Current Directions in Psychological Science*, ۲۲ (۳), ۲۳۳-۲۳۸.  
 doi:۱۰,۱۱۷۷/۰۹۶۳۷۲۱۴۱۳۴۷۵۶۲۲  
 McAdams, D. P, Pals, J. L. (۲۰۰۶). A new big five: Fundamental principles for an integrative science of personality. *American Psychologist*, ۶۱, ۲۰۴-۲۱۷.  
 McAdams, D. P, Bowman, P. J. (۲۰۰۱). Narrating lifes turning points: Redemption and contamination. In D. P. McAdams, R. Josselson, & A. Lieblich (Eds.), *Turns in the road: Narrative studies of lives in transition* (pp. ۳۰-۳۴). Washington, DC: American Psychological Association.  
 McAdams, D. P, Diamond, A, d S. Aubin, E, Mansfield, E. D. (۱۹۹۷). Stories of commitment: The psychosocial construction of generative lives. *Journal of personality and social psychology*, ۷۲, ۶۷۸-۶۹۴.  
 McAdams, D. P, Anyidoho, N. A, Brown, C, Huang, Y. T, Kaplan, B, Machado, M. A. (۲۰۰۴). Traits and stories: Links between dispositional and narrative features of personality. *Journal of Personality*, ۷۲, ۷۶۱-۷۸۳